



عنوان مقاله : تأثیر معماری باستانی بر سبک های نوین معماری در ایران

امجد رشید پور (1)

چکیده :

یکی از شاخص ترین مظاهر تمدن هر قوم و ملتی هنر معماری آن می باشد. بناهایی که در طول تاریخ بشریت به دست انسان ساخته می شود ، معماری ایران که به صورت های گوناگون در بناهای مختلف متجلی گشته ، جایگاه خاصی را در معماری جهان داراست. تأثیر سبک بر معماری بر تمامی افراد مبرهن است. سبک در معماری شیرازه ی اصلی کار است. امروزه همه ی ما می دانیم که یکی از اصلی ترین جنبه های هر بنا سبک آن است. هر بنا با توجه به فرهنگ ، ملیت ، اقلیم ، خواست طراح و کارفرما و مقررات هر شهر و خطه ای با یک سبک مخصوص ساخته می شود. با ورود عناصر معماری مدرن به ایران، می توان تغییرات وسیعی در سبک معماری معاصر این دوره مشاهده نمود . این تغییرات تدریجی بوده و ریشه های آن به اواخر دوره قاجار بر می گردد . با پیروزی انقلاب مشروطه، تحوّل عظیم فرهنگی، اجتماعی و... در جامعه ی ایران رخ داد .

شاید فرهنگی که در آن زندگی می کنیم روز به روز در حال تغییر باشد. این تغییرات همسو با صنعتی شدن و مدرن شدن زندگی افراد اتفاق می افتد. نمی توان از تغییرات فرهنگی در هر کشور و در هر شهری جلوگیری کرد. اما این تغییرات چگونه بر تأثیرات سبک بر معماری تأثیر گذارند؟

سبکی از معماری است که در آن، پلان ساختمان اغلب به صورت متقارن طراحی می شود و دارای حیاطها و تالارهای مستطیل شکل است. وجود گنبد و ایوان در ساختمان، مقرنس ، مشربیه ، خوشنویسی و استفاده گسترده از قوس، از ویژگی و مشخصه های معماری پرشین است. این شیوه، از هندسه نمادین و فرمهایی مانند دایره و مربع استفاده می کند. معماری ساسانی با نقش برجسته های سنگ تراشیده و گچ بُری های مزین خود و همچنین موزاییک های سنگی رنگارنگ، بخشی از معماری پرشین را در بر گرفته است.

کلید واژه : معماری ، فرهنگ ، تغییرات تدریجی ، متقارن

1- هنر آموز معماری ، کارشناسی معماری ارشد تاریخ

مقدمه :

هنگامی که به بناها ، ساختمان ها و آثار تاریخی که بر اساس معماری اسلامی ساخته شده اند نگاه می کنیم احساسی سرشار از آرامش به ما دست می دهد با نگاهی عمیق تر در می یابیم که این نوع معماری اختصاص به اسلام و کشورهای اسلامی ندارد بلکه در کشورهای مسیحی و کشورهایی که فرهنگ و معماری شان ریشه در دیگر ادیان دارد نیز وجود دارد. بنابراین معماری مورد بحث را معماری معنوی دینی و یا سنتی می توان نامید که به لحاظ مصطلح بودن واژه سنتی از آن به عنوان صفت برای معماری مورد بحث استفاده نموده و آن را در برابر معماری مدرن ارزیابی می نماییم.

معماری مدرن :

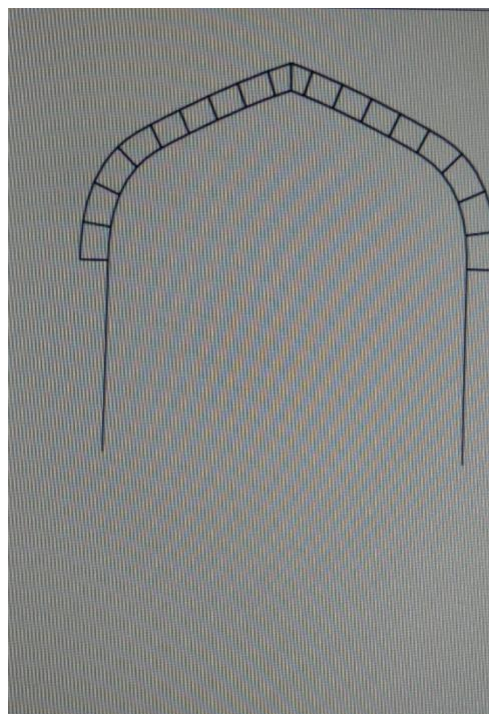
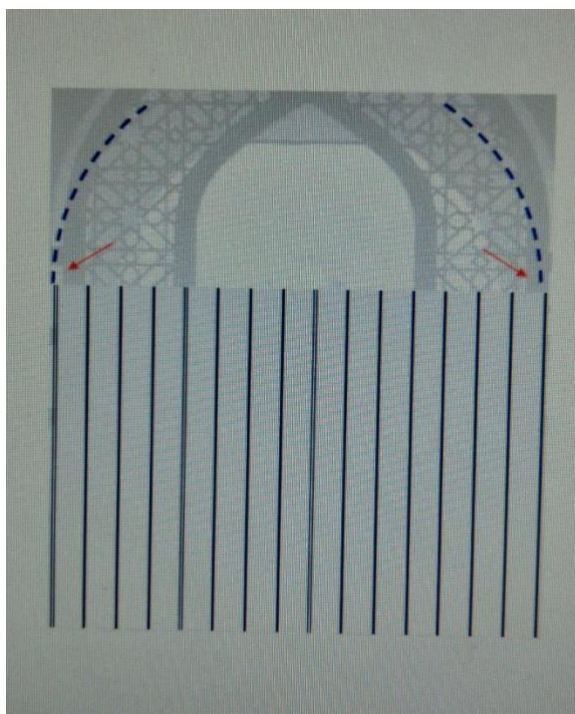
معماری مدرن، در مفهوم، با سبک خاص و منحصر به فردش متمایز می شود و حذف بیشتر تزئینات اضافی و کنار گذاشتن ویژگی های معماری کلاسیک از جمله مشخصات این سبک است. معماری مدرن و معاصر، معماری ای است که سعی در اجرای سازماندهی شهری به جای مانده از جنبش مدرن را دارد. اصطلاح "معماری مدرن" نگرش اجتماعی، هنری و فرهنگی به نام مدرنیسم را توصیف می کند. این سبک بر رد «قوانین» از پیش تعیین شده و سنت ها و آیین گذشته ، همچنین آزادی بیان در هنر، ادبیات ، معماری و موسیقی تأکید دارد. جنبش مدرن در معماری در قرن بیستم متولد شد و در واقع می توان گفت پس از جنگ جهانی اول شروع به کار کرد. پیشرفت های پی در پی مهندسی، مصالح ساختمانی، برابری اجتماعی، بهداشت و صنعت، در حالی که سبک های تاریخی گذشته رد می شدند، به حد زیادی به هم نزدیک شدند. این طوفان تغییرات و پیشرفت به معماری اجازه داد تا وارد عصر جدیدی از طراحی شود که بنام معماری مدرن شناخته می شود.

اکنون به دنبال آن هستیم که احساس سرشار از آرامش که نتیجه و حاصل نگاه به معماری سنتی است و معماری مدرن فاقد آن است. را رمزگشایی نماییم.

در این رابطه این موضوع را به عنوان واقعیتی مسلم می پذیریم که جهان بیرون از انسان که توسط او ساخته شده است بازتاب جهان درون اوست. علاوه بر اینکه در رابطه ای دو سویه بر درون او نیز تأثیر می گذارد.

بنا بر این، احساس مذکور را باید در ویژگی های معماری سنتی جستجو نماییم. این ویژگی ها را در دو گروه طبقه بندی می نماییم.

الف- ویژگی های هندسی



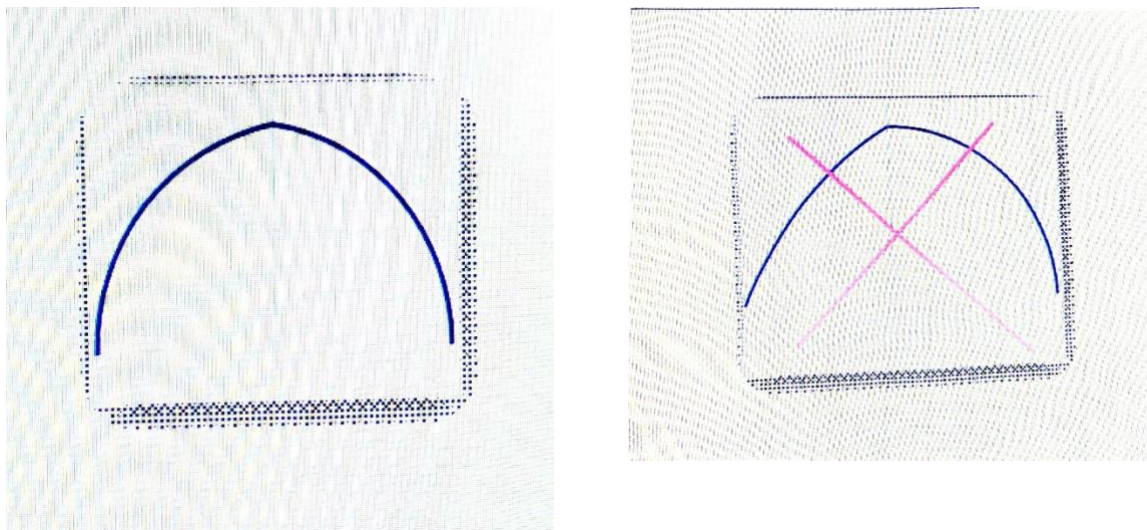
ویژگی های رنگ ها و الوان

ویژگی های هندسی

1- نقطه عطف در حرکت خطوط متوازی در ساختمان های بنا شده به سبک معماری سنتی خطوط متوازی از سطح زمین شروع به حرکت نموده و متناسب با سایر نماد با در نقطه ای معین "نقطه عطف" خود را آغاز می نمایند. بر خلاف ساختمانهای بنا شده به سبک معماری مدرن که فاقد نقطه عطف می باشند. نقطه عطف موجب تنوع و تغییر در روند حرکت می گردد. با توجه به " اصل رابطه دو سویه تأثیر و تأثر بین درون و بیرون انسان ، که در مقدمه بدان اشاره شد. از یک سو و این موضوع که در این گفتار، جوامع انسانی از یک لحاظ به دو جامعه سنتی و جامعه مدرن تقسیم بندی شده اند. از سوی دیگر، و در ریشه یابی تأثیرات مطلوب معماری موجود در یکی و تأثیرات نامطلوب معماری موجود در دیگری این نتیجه بدیهی و قهری به دست می آید که در جامعه ای که انسان از معماری موجود در آن در رنج است. او نتوانسته بر محیط اطراف خود تأثیر گذار باشد، بلکه حرکت و کنش محیطی او به گونه ای بوده است که او را به عنوان موجودی منفعل و تأثیر پذیر تربیت نموده است و بر عکس در جامعه ای که انسان از معماری موجود در آن احساس آرامش می نماید و لذت می برد.

او به خوبی توانسته بر محیط اطراف خود تأثیر گذار باشد و حرکت و کنش محیطی او به گونه ای بوده است که او را به عنوان موجودی فعال و تأثیر گذار تربیت نموده است. به عبارت دیگر نقطه عطف فقط در پایان محدوده خطوط موازی پدید نمی آید بلکه پس از آن هر نقطه، نقطه عطفی است که حاکی از تمایل و اشتیاق فزاینده متحرک اعم از فرد و جامعه انسانی و با خطوط ساختمان که تجسم و بیانگر درون آنها هستند - جهت وصول به وحدت است. همین انعطاف مستمر لذت و نشاطی را به متحرک اعطا می نماید که تا فنا در وحدت و واحد استمرار دارد. دور شدن از کثرت و نزدیکی و تقرب به وحدت در رنگها و الوان نیز جلوه گر است که در قسمت بعد بدان اشاره خواهد شد. کسانی که بیشتر خود را در تقابل و رقابت با یکدیگر میدیدند و به موازات هم تلاش و کوشش می نمودند. اکنون به یک نقطه می رسند و همگی گمشده خود را در آن می بازنند. وصول به نقطه مشترک در هر دو بعد هندسی و رنگ آمیزی ساختمان جلوه گری می نماید. مولانا جلال الدین رومی به همین واقعیت نظر دارد آنجا که با اشاره به نماد رنگ و الوان می گوید.

چون که بی رنگی اسپر رنگ شد.
موسیقی با موسیقی در جنگ شد
گر به بی رنگی رسی کان داشتی
موسی و فرعون کردند آشتی



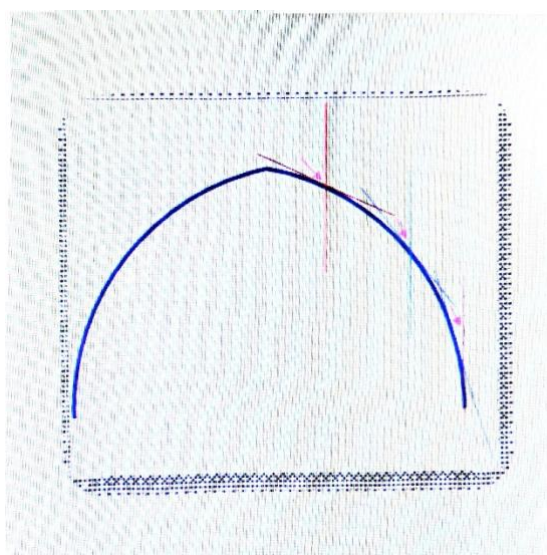
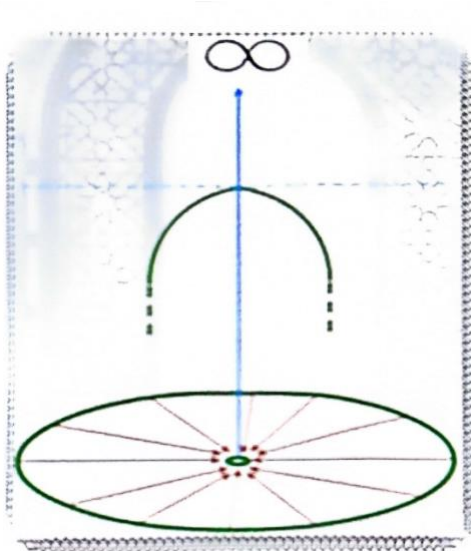
۲ - رسیدن کثرت به وحدت :

در ساختمان های معماری سنتی خطوط متوازی پس از نقطه عطف آرام آرام به یک نقطه در فضا و در انتهای ساختمان ختم می شوند بر خلاف ساختمان های معماری مدرن که خطوط متوازی از سطح زمین شروع و در همان امتداد در فضا و در انتهای ساختمان ختم می شوند. به عبارت دیگر در معماری سنتی کثرت به نقطه وحدت می رسد ولی در معماری مدرن کثرت به حال خود باقی مانده و خطوط متوازی همچنان فاصله ای را که در سطح زمین داشته اند حفظ

می نمایند. رسیدن کثرت به نقطه وحدت نشان دهنده این حقیقت است هدفمندی تغییر و تحول بویا و آرامش بالعکس ترسیدن و عدم وصول کثرت به نقطه وحدت نشان دهنده این واقعیت است. بی هدفی درجا زدن و سکون و نا آرامی درون در هر دو مورد نتایج معنوی معماری و ساختمان های مبتنی بر آن به بینندگان و ساکنان آن محیط منتقل می گردد.

۳ - حرکت خطوط حول تقارن محوری :

در ساختمان های معماری سنتی خطوط متوازی از سطح زمین حول تقارن محوری حرکت کرده و به نقطه وحدت می رسند و اینگونه نیست که سیر کثرت به سوی وحدت بدون توجه به محور تقارن اتفاق بیفتد.

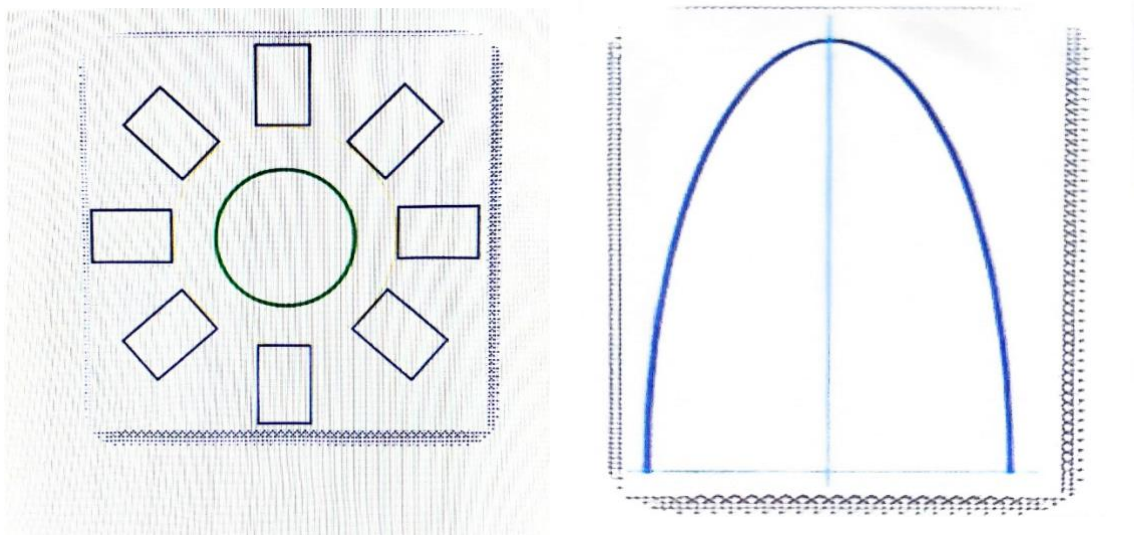


۴ - حرکت نقاط حول تقارن مرکزی :

آنچه که تا اینجا بیان شد در مورد وضعیت ساختمان از منظر ظاهری و از روبرو بود. چنانچه در مقطع و برش افقی ساختمانها نظر کنیم دو گونه ساختمان می بینیم

الف) دارای مقطع مستطیل به دارای مقطع دایره بخش هایی از ساختمان که شامل راهروها ، مدخل ها و بناهای پیرامونی می باشند در برش عرضی دارای مقاطع مستطیل هستند و بخش هایی از ساختمان که شامل مرکز هسته و بناهای مقصد می باشند در برش فرضی دارای مقاطع دایره هستند. کندها از مصادیق این نوع ساختمان ها می باشند. به وضوح مشاهده می کنیم که پراکندگی و اختلاف بین خطوط موازی نخست به یک خط مورد توافق در تقارن محوری و سپس به یک نقطه مورد توافق در تقارن مرکزی تبدیل می شود و آن نقطه نیز خود را هدف

نهایی و اصیل نمی داند بلکه جهت و سمت بالا را به عنوان هدف سیر و حرکت نشان می دهد. وجود محور تقارن که در ساختمان های نوع ب به تقارن مرکزی تبدیل می شود نماد گویای این حقیقت است که در مرکز ساختمان کنید و در دسترس انسان ها آسان کامل (که تنها مصادیق آن اولیاء معصومین (ع) هستند) قرار گرفته که همگی می توانند با طواف به دور او به سوی وحدت سیر کنند. فاصله همه انسان ها که در محیط دایره واقع شده اند. با او مرکز دایره یکسان است و انتخاب آنها است که می تواند دوری یا نزدیکی به مرکز را موجب گردد. انسان ها در هر نقطه تاریخی جغرافیایی، فرهنگی، ملی و مذهبی که باشند بر روی دایره ای قرار دارند که دوری و نزدیکی ایشان از یکدیگر را پدید می آورد اما در رابطه ایشان با مرکز دایره که سایه نقطه دور دست و واقع در بی نهایت وحدت است. خللی ایجاد نمی کند.



5- حرکت خطوط متوازی با زوایایی متغیر و فزاینده :

در ساختمان های معماری سنتی خطوط متوازی از نقطه عطف با زوایایی متغیر نسبت به محور عمودی به سمت نقطه وحدت حرکت می کنند. به عبارت دیگر نقاط حرکت خطوط از نقطه عطف به صورت خط منحنی بوده و مقادیر این زوایا در امتداد حرکت به سمت نقطه وحدت فزاینده می باشد مفهوم این فزایندهگی زوایا این است که هر چه حرکت از کثرت به سمت وحدت به پیش می رود فرد متحرک از کثرت بیشتر زاویه می گیرد و به وحدت تمایل بیشتری می یابد. حرکت و امتداد خطوط از نقطه عطف با زاویه ثابت شکل مثلث را نتیجه می دهد و بنایی مانند اهرام مصر را به وجود می آورد.

۶ - شیب متعادل در حرکت خطوط متوازی :

حرکت خطوط از نقطه عطف با زوایای متغیر به سمت نقطه وحدت با شیبی آرام انجام می شود شیب تند و یا کند در مسیر حرکت خطوط نماد افراط و تفریط است که در منظر زشت و در رفتار نامطلوب می باشد ارتفاع وارد از نقطه وحدت بر خط امتداد یافته فرضی بین نقاط عطف با طول و عرض ساختمان تناسب دارد و در حدود ضریب یک نسبت به آنها می باشد. مفهوم این تناسب که از شیب متعادل ناشی میشود این است که سیر کثرت به سوی وحدت با طول و عرض ساختمان (در مورد انسان حرکت فرد و جامعه جهت سیر به سوی هدف نهایی آفرینش با زندگی او و ضعف ها و قوت هایش) نسبت مستقیم دارد.



ویژگی های رنگها و الوان

با تنوع رنگ ها در سطوح پایین در ساختمان های معماری سنتی اهتمام خاصی به انتخاب رنگ ها شده است. نخست اینکه در سطوح پایین ساختمان که مظهر کثرت است تنوع در رنگ ها بسیار است ولی در سطوح بالا که از نقطه عطف شروع می شود و مظهر نزدیکی و تقرب به وحدت و نهایتاً محو در آن است. تنوع رنگ ها جای خود را به وحدت و یکرنگی می دهد دور شدن از کثرت و نزدیکی و تقرب به وحدت در رنگ ها و الوان نیز جلوه گر است تعالی و حرکت به سوی بالا انسان را از رنگ های متنوع خسته می کند و نخست او را به تقلیل رنگ ها و سپس به جستجوی بی رنگی ای که در بطن تمام رنگ ها نهفته است سوق می دهد از ویژگی این رنگ گریزی و بی رنگی، گزینی آرامش درونی فرد انسان و مهمتر از آن به تفاهم رسیدن تمام افراد و جوامع انسانی است.

ویژگی ها و سبک های معماری ایران :

* طراحی مناسب

* محاسبات دقیق

* فرم درست پوشش

* رعایت مسائل فنی و علمی در ساختمان

* ایوان های بلند

* ستون های کشیده

* تزیینات گوناگون

که هر یک در عین سادگی معرف شکوه معماری ایران هستند.

با نگاهی به سازه های معماری ایرانی می توان به پرهیز از بیهودگی و تزیینات

اضافی آن پی برد.

سادگی و انواع سبک های معماری ایرانی در دوره های حکومتی مختلف به چشم

می خورد.

درون گرایی خانه های ایرانی از ویژگی های بارز این معماری می باشد.

با دیوار های بلند باعث کاهش رابطه خانه ها و ساختمان های ایرانی از سایر

خانه ها و بخش های شهر می شود.

از دیگر ویژگی های بارز این سبک های معماری ایرانی استفاده از مصالح در

دسترس در ساخت ساختمان می باشد.

هر منطقه از ایران متریکال متفاوتی دارد که در سبک های مختلف معماری در

طول سالیان نمایان می شود.

درباره سبک معماری ایرانی :

معماری ایرانی از هندسه نمادین و فرم های خاص مانند دایره و مربع استفاده

می کند. پلان ها نیز بر اساس چیدمان های اغلب متقارن با حیاطها و تالارهای

مستطیل شکل می باشد. بر اساس کاوش های باستان شناسی، هنر Persian

architecture از هزاران سال پیش وجود داشته است. این هنر همواره در طول

تاریخ در مورد مسائل مختلف تکامل یافته است. تحولات مذهبی و جنگ های

تاریخی، مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر این سبک بوده است. ویژگی های منحصر

به فردی در این سبک به چشم می خورد که از آن جمله می توان به موارد زیر

اشاره کرد:

* محاسبات بسیار دقیق

* فرم صحیح پوشش

* طراحی های خاص و مناسب

* رعایت مسائل فنی و علمی در ساخت سازه ها

* بالکن های مرتفع

* ستون‌های بلند

جدا از این ویژگی‌ها، خصوصیات اصلی آثار معماری پارسی که باید به آن توجه کنیم، منطق ریاضی و عرفانی آن‌ها است. معماران ایرانی از دیرباز به حیاط‌ها، باغ‌ها، هشتی‌ها، ایوان‌ها و آلاچیق‌هایی که سراها را احاطه کرده‌اند، گرایش داشته‌اند و این بخشی از منطق ایرانیان بوده است.

سبک معماری ایرانی مرزهای جغرافیایی را نیز درنور دیده است. طوریکه در سایر نقاط جهان در گستره‌ای وسیع، از سوریه تا شمال هند و مرزهای چین، آثاری بر اساس اصول معماری پرشین وجود دارد. Persian architecture در طول عمر خود تغییرات موقتی تجربه کرده که ناشی از درگیری‌های داخلی و تهاجمات خارجی بوده است. اما با وجود همه آن تغییرات، سبک منحصر به فرد خود را به عنوان نماد مهم ایرانی حفظ کرده است. سبک ایرانی تفاوت قابل‌توجهی با سبک معماری اسلامی دارد و تأثیر زیادی بر آثار معماری در سراسر جهان اسلام داشته است.

معماری ایران باستان :

هنر و سبک معماری ایرانی در اوایل متأثر از تمدن‌های قدیمی ایلام و سوسیانا در منطقه بین‌النهرین بود. معماری دوره باستان با سرامیک‌های باشکوه تخت جمشید و شوش شناخته می‌شد. در آن زمان، کاسه‌ها و جام‌های بزرگ و هنر سه بُعدی رایج بود. یونسکو، ایران را به‌عنوان یکی از مهدهای تمدن می‌شناسد. این امر بدون معماران با استعداد ایرانی که توانایی ایجاد تأسیساتی فراتر از زمان خود را داشتند، ممکن نبود. در ایران باستان، معماران به‌اندازه کنونی شناخته‌شده نبودند، اما مطمئناً سزاوار این همه شهرت هستند. برخی از آثار مهم که توسط یونسکو به عنوان میراث جهانی به رسمیت شناخته شده‌اند، عبارتند از:

- * پاسارگاد در فارس.
- * پرسپولیس در فارس.
- * چغازنبیل در خوزستان.
- * تخت سلیمان در آذربایجان غربی.
- * کتیبه بیستون در کرمانشاه.

دلیل ماندگاری بناهای باستانی ایران را می‌توان استفاده از تکنیک‌های ماهرانه و ابزارهای خاصی دانست که مورد استفاده معماران ایرانی بوده است.

سبک معماری پرشین قبل از اسلام :

سبک معماری ایرانی قبل از اسلام به دو سبک «پارسی» و «اشکانی» تقسیم می‌شود. سبک پارسیان اولین سبک معماری در ایران می‌باشد که از دوران هخامنشیان تا حمله اسکندر (از ششم تا چهارم پیش از میلاد) شروع شده است. از جمله ویژگی‌های اصلی معماری پارسیان می‌توان موارد زیر را نام برد:

- * فضاهای مستطیل شکل با تالارهای ستون‌دار
- * ساخت بناها روی سکو
- * سبک درون‌گرا
- * استفاده از سقف‌های چوبی، سنگ‌های تراشیده شده، سرستون
- * تزئین سردر و کاشی لعاب‌دار در بخش‌های داخلی

همان‌طور که از نام آن پیدا است، سبک اشکانی، معماری مورد استفاده اشکانیان می‌باشد. این سبک شامل موارد زیر است:

- * تنوع در نقوش
- * سبک درون‌گرا
- * تقارن در ساخت کاخ‌ها و معابد
- * افزایش ارتفاع ساختمان‌ها ، طاق‌ها و گنبد‌های منحنی
- * قیچی‌های زیر گنبد‌ها
- * استفاده از مصالح محلی مانند قلوه‌سنگ ، خشت ، آجر ، گل و گچ‌کاری

در سبک معماری ایرانی قبل از اسلام ، دیوارها و سقف‌ها با حکاکی‌ها ، نقاشی‌های دیواری و سایر المان‌ها مزین می‌گشتند. به‌طور کلی، کف و دیوارها معمولاً با موزاییک در مقیاس بزرگ تزئین می‌شدند. معمولاً به‌جای حکاکی گچ کاری‌ها، از قالب‌گیری استفاده می‌کردند. از این رو ، نقوش به صورت مکرر و طولانی ایجاد شدند.

این سبک معماری قبل از اسلام حتی مدت‌ها پس از پایان امپراتوری ساسانیان و علیرغم ظهور اسلام ، به‌طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گرفت. با ورود اعراب به سرزمین ایران در سال 637، معماری اسلامی شکل گرفت. پس از آن ، هنرمندان مسلمان با توجه به ویژگی‌های هنری پیشین به ویژه معماری ساسانی ، اشکال ، ساختمان‌ها و بناهای جدیدی معرفی کردند. ساختمان‌هایی از قبیل مسجد ، مدرسه، پل ، قلعه و کاروانسرا از آن دسته بودند.

معماری ایرانی قدیمی و معماران ایرانی :

فلات ایران از زمین‌های بیابانی در مرکز تشکیل شده است که توسط کوه‌ها و ارتفاعات محصور شده‌اند. از قدیم الایام ، بومیان ایران با توجه به محیطی که در آن زندگی می‌کردند، خلاقیت های معماری و مهندسی را به کار می‌بردند. سبک معماری ایرانی قدیمی در مرکز فلات ایران با شرایط منطقه سازگار بوده است. بنابراین، آثار مربوط به این دوره به عنوان یک میراث ملی و جهانی قابل توجه می باشد. فرم‌های هندسی همچون دایره و مربع و همچنین طرح های قرینه، از عناصر پرکاربرد در این دوره هستند. همچنین به دلیل فراوانی خاک رس در مناطق فلات ایران، ساختمان های خشتی بسیاری بر اساس این سبک معماری ایجاد شده‌اند. البته شاهکارهای آثار ایرانی قدیمی شامل قنات‌ها، سیستم خنک‌کننده قدیمی بادگیرها ، گنبدها ، حیاط ها، پنج دری ها ، اندرونی/ بیرونی و حوض نیز می‌شود.



معماران ایرانی :

معماران ایرانی در دوران قدیم، قبل از ظهور معماری مدرن، بسیار مورد توجه بودند. به عنوان مثال، بدر الدین تبریزی ، آرامگاه مولانا را در سال 1273 میلادی در قونیه ساخت. استاد عیسی شیرازی به عنوان معمار اصلی (یا نقشه کش) تاج محل شناخته می‌شود. این اشخاص همچنین در طراحی بناهایی مانند

باکو، مناره جام افغانستان، گنبد سلطانیه یا مقبره تاملرنگ در سمرقند نقش بسزایی داشتند.

نمونه هایی از آثار و بناهای معماری ایرانی باستان و معاصر :

1. چغازنبیل از آثار معماری ایرانی

زیگورات دوراوتاش معروف به چغازنبیل، یکی از قدیمی‌ترین آثار باستانی ایران است که ساخت آن به دوره عیلامیان در حدود ۱۲۵۰ سال قبل از میلاد مربوط می‌شود. این زیگورات یا معبد، بنای مرکزی محوطه باستانی دوراوتاش یا شهر اوتاش در نزدیکی شوش استان خوزستان بوده است. همچنین اولین بنای مذهبی کشف شده در ایران شناخته شده و در سال ۱۹۷۹ به عنوان اولین اثر تاریخی معماری ایرانی، در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید. چغا در زبان لری به معنای تپه و زنبیل به معنای سبد هستند و ببیشتر به شکل ظاهری معبد اشاره دارند. بر اساس کتیبه‌های کشف شده، زیگورات دوراوتاش بین سال‌های ۱۲۷۵ تا ۱۲۴۰ قبل از میلاد در زمان پادشاه ایلامی اوتاش ناپیریشا برای ستایش « اینشوشیناک » ایزد نگهبان شوش ساخته شده است.

می‌توان گفت که در ساخت این بنا از بناهای سومری الهام گرفته شده که به شکلی مرتفع برای پرستش خدایان ایجاد می‌شدند و در میان رودان به وفور قابل مشاهده هستند. معبد چغازنبیل مانند بسیاری از دیگر شهرهای عیلامی، در سال ۶۴۵ قبل از میلاد و با هجوم سپاه آشور ویران شد.



2. مرکز تاریخی گنجه

شهر گنجه تا سال ۱۸۱۳ میلادی، بخشی از خاک ایران محسوب می‌شد. امروزه یکی از شهرهای تاریخی جمهوری آذربایجان و دومین شهر بزرگ این کشور بعد از باکو می‌باشد. گنجه برای چندین قرن جزو مراکز تاریخی و فرهنگی منطقه محسوب می‌شد. با امضای قرارداد گلستان توسط شاهان بی‌کفایت قاجار، شهر گنجه به روسیه واگذار شد. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ هم رسماً بخشی از خاک کشور آذربایجان شد. بر اساس منابع تاریخی، شهر گنجه در قرن پنجم میلادی تاسیس و تا سال ۱۸۱۳، عمدتاً بخشی از خاک ایران بوده است. اما چندین بار هم بیان اعراب، ترک‌ها و خزرهای دست به دست شده است.

طی این سال‌ها آثار متعددی از معماری ایرانی در شهر گنجه به جامانده که مهمترین آن‌ها مربوط به دوره صفوی می‌باشد. مسجد شاه عباس، کاروانسرای شاه عباس، آرمگاه نظامی گنجوی و امامزاده گنجه، نمونه‌هایی از آن به شمار می‌آیند. دستور ساخت مسجد شاه عباس با آجرهای قرمز در نمای بیرونی و گنبد سفید، در سال ۱۶۰۶ توسط شیخ بهایی داده شد.



3. مرکز تاریخی باکو

شهر باکو پایتخت و بزرگ ترین شهر کشور آذربایجان می باشد که اولین اشاره به آن در منابع تاریخی مربوط به سال ۸۸۵ میلادی است. البته آثار باستان شناسی موجود در این شهر، استقرار در این منطقه را برای چندین قبل از میلاد نشان می دهند. منطقه آذربایجان و شهر باکو، بخشی از خاک ایران بوده اند. به همین خاطر، سازه های زیادی با سبک ایرانی در این شهر ایجاد شده است. شهر قدیمی باکو یا ایچری شهر (Icheri Sheher) باستانی ترین قسمت باکو می باشد که دیوارهای کنگرهدار آن را محاصره کرده اند.

کاخ شروان شاهان و قلعه دختر برخی از مهمترین آثار به جامانده در شهر قدیمی هستند که در ساخت آن ها از معماری ایرانی استفاده شده است. سبک ایرانی در معماری اماکن دیگری مانند آتشکده باکو هم که در خارج از شهر قدیمی قرار دارد، به کار گرفته شده است. ساخت این آتشکده به قرن های ۱۷ و ۱۸ میلادی برای عبادت هندوها و زرتشتی های باکو برمی گردد. در میان آثار مرکز تاریخی باکو، کاخ شروان شاهان (قرن ۱۵ میلادی) از عظمت و شکوه بالایی برخوردار است.



4. مرکز تاریخی بخارا

بخارا پنجمین شهر بزرگ ازبکستان و مرکز ایالت بخارا است که به دلیل قرار گرفتن تعداد زیادی آثار معماری اسلامی و ایرانی، یک مرکز تاریخی مهم منطقه به شمار می آید. بخارا و سمرقند دو شهر فارسی زبان کشور ازبکستان به شمار

می‌آیند که تا همین امروز هم بالغ بر ۹۰ درصد ساکنان شان به زبان فارسی و لهجه تاجیکی صحبت می‌کنند. شهر بخارا دارای پیشینه ۲۵۰۰ ساله بوده و سابقه سکونت بشر در این منطقه به ۲ هزار سال قبل از میلاد می‌رسد. در اکثر دوره های تاریخی، بخارا یکی از مهمترین شهرهای ایران به شمار آمده و بناهای زیادی به سبک معماری ایرانی در این شهر ساخته شده است.

مناره ۴۵ متری کالیان، مدرسه چهار منار و مقبره امیر اسماعیل سامانی برخی از مهمترین آثار به جامانده در مرکز تاریخی بخارا به شمار می‌آیند. مناره کالیان یکی از بلندترین ساختمان‌ها در شهر بخارا می‌باشد که کارکرد اصلی آن نشان دادن مسیر شهر به کاروان‌ها بوده است. مقبره امیر اسماعیل سامانی هم اولین ساختمان در آسیای میانی است که از آجر ساخته شده و نمای بسیاری زیبایی دارد.



تاثیر سبک معماری بر سبک زندگی :

سبک معماری با سبک زندگی افراد معمولاً همگون است. و بر یکدیگر تاثیرگذارند. افرادی که زندگی مینیمالیست دارند، معمولاً طراحی داخلی منزل خود را به صورت مینیمالیست و مدرن انجام می‌دهند.

و برعکس کسانی که به سبک های کلاسیک و پر از جزئیات و تزئینات علاقه مندند طراحی داخلی منزل خود را به سبک کلاسیک انجام می دهند. نمی توان گفت که در ایران کاملاً این انتخاب بر عهده ی افراد گذاشته می شود تا بتواند سبک نمای ساختمان و طراحی معماری و طراحی داخلی را به صورت شخصی انتخاب کند.

در ایران نیز مانند دوره های گذشته در ابتدا بناهای مهم شهر از الویت برخوردارند و سپس ساختمان های عادی با سبک و سیاق مورد نظر معمار و به صورت ساده تری ساخته می شوند.

هدف معماری مدرن :

هدف معماری مدرن بر عدم پیروی از روش های تقلیدی در هنگام طراحی فرم سازه، جدا شدن از معماری سنتی گذشته، خلق فرم ها و طراحی سازه های جدید، استفاده از فلز و به کارگیری تزئینات جدید استوار است. استفاده از دیوارهای منحنی شکل، فضاهایی با اشکال هندسی متقارن و نامتقارن و سازه هایی با حجم های مختلف نیز از دیگر ویژگی های معماری مدرن به حساب می آیند. استفاده از چنین سبکی در عرصه معماری سبب خلق آثاری شده است که علاوه بر جنبه های زیبایی شناسی، تحولی عظیم در عرصه کنترل مصرف انرژی به شمار می آیند. هدف معماری مدرن ساختار شکنی و بی اعتنایی به اصولی است که به شکل یک اصل کلی درآمده اند. به طوری که در سبک مدرن، برخلاف سایر سبک ها، شاهد استفاده از پلان هایی چندضلعی هستیم. و حتی متریال های مدرنی نظیر شیشه، کامپوزیت، فلز یا حتی تکنولوژی نانو در آنها به چشم می خورد. مصرف بهینه انرژی، یکی دیگر از نکات مهمی محسوب می شود که در معماری مدرن به آن توجه ویژه ای شده است. همین امر تولد پنجره هایی بزرگ و سرتاسری با هدف تامین هرچه بیشتر نور را به دنبال داشت که یکی از مهم ترین شاخصه های سبک معماری مدرن به شمار می رود. علاوه بر آن، امروزه شاهد استفاده از سیستم های نوینی نظیر پنل های خورشیدی هستیم که کمک شایانی به صرفه جویی در مصرف انرژی می کند. ادغام معماری هر دو اجتماع یعنی سبک سنتی و سبک مدرن به دلیل اکثریتی از جامعه که قشر پایین جامعه هستند. در نهایت پیروزی را نصیب موجی ضعیف تر خواهد کرد حتی اگر این پیروزی ظاهری باشد. این روند ادغام همان عاملی

است که اساس شهرها را سردتر و بی روح تر کرده است؛ زیرا معماران موج صنعتی و موج سوم میل بیشتری نسبت به یکسان سازی رویدادهای اجتماعی و سیاسی کشور دریافت کرده اند. این رویدادی مثبت و در عین حال مخرب بوده است به خصوص زمانی که عرصه های هنری کمرنگ تر می شوند. زیرا سردی موج های نوین جامعه را بیش از پیش سرد و افسرده کرده و نمادها و تأثیرات خود را از همان شهرهایی می گیرد که خود توده خواستار آن بوده اند به خصوص سبکی که میل به برابری و فروتنی داشت همه جا را یک رنگ خواهد ساخت و این یک رنگی به عنوان اهداف موج دوم و سوم است. که علیه خودشان قیام خواهد کرد و انسان آینده از این روند خود ساخته و معماری نیز سرخورده خواهد شد.

اما معماری تکنولوژی گرای موجهای اجتماعی نوین همچنان باید به سوی توسعه گام بردارد تا تصور فتح آسمان ها و اقامت در سیارات دیگر امکان پذیر شود و این به عنوان قله موفقیت و انقلابی دیگر است که تکنولوژی به عنوان دستاورد موج سوم و فراتر از آن مهم تلقی می شود.



نتیجه گیری :

سبک ها و خود معماری به عنوان رشته ای ما بین نهاد هایی از جامعه و طبقات اجتماعی حایز اهمیت بوده است. به تعبیری که سبک های اشرافی در معماری در قبال سبک های توده ای خود می تواند عاملی برای شکاف هرچه بیشتر طبقات اجتماعی در یک جامعه قلمداد شود. این بدان معناست که به مراتبی که توجه معماران و سبک ها صرفاً به گسترش و نوین سازی سبک های اشرافی

باشد و در سبک های توده ای نیز از توسعه و رشد خودداری شود منجر به توسعه ای یک جانبه خواهد شد که اساساً امیال توده ای را دچار شکاف بیشتر با سبک های اشرافی خواهد کرد.

سبک های مورد پسند اشرافیون و نیز توده ای می بایست در یک اجتماع همزمان به سمت توسعه و رشد حرکت کنند و مادامی که این حرکت یکسویه باشد می تواند شکاف طبقات اجتماعی را بگستراند و این می تواند همان چیزی باشد که اساساً معماری را از بنیاد هنری خود خارج کرده و آن را با سیاست و جامعه شناسی مرتبط می سازد. ظاهراً این گونه برایم تصور می شد که اکثریت معماران حتی نمی توانستند این چنین تصور کنند که خود این رشته می تواند مظهر خلق شکاف های اجتماعی باشد.

معماری مدرنیسم معماری پنهان سازی و برابری و برابری بیشتر با قشرها است که از بنیاد اندیشه عصر کمونیستی آنارشیستی و انقلاب ناپلئونی سرچشمه می گیرد.

آنچه به عنوان معماری مدرنیسم شناخته می شود میل جامعه به برابری قشرهای جامعه است که تا حدودی توانست میل ثروتمندان به مجزا نشان دادن خود را کمتر کند در نتیجه معماری مدرنیسم حتی برای اقشار اشرافی نیز تنها خود را در وسعت و کیفیت بناها نشان داد و این در حالی است که میل اشرافیون به بناها در گذشته بیش از امروز میل به ابراز و نمایش قدرت با خلق و پشتیبانی بیشتر از هنر ناب بوده است.

معماری مدرنیسم حتی با وجود سبکهای معماری شیکاگو که عملاً گویای جامعه سرمایه داری است. معماری صلح گراتر از سبکهای پیش از خود بود که این رویداد و ویژگیها مطابق میل جامعه و رویدادهای اجتماعی، موج صنعتی و موج سوم است که از سویی دیگر نبردهای اقشار جامعه کشاورزی با جامعه مدرن را سردتر کرد که دلیل این سردی از سویی تولید انبوه و از سوی دیگر کاهش تزئینات در بناها بوده است. تزئیناتی که پیش از این دستخوش میل اشرافیونی بود و با مجلل ترین شکل ممکن ارائه می شد اکنون حتی در مکتب شیکاگو کم رنگتر می شود و اهمیت خود را به حالت فرم های معماری معطوف می سازد.

منابع و ماخذ :

- 1- زارعی، محمد ابراهیم (۱۳۸۹). آشنای با معماری جهان. تهران: نشر فن آران. صص. ۵۳
- 2- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۷). سبک‌شناسی معماری ایرانی. تهران: نشر سروش دانش. صص. ۴۰
- 3- پرفسور لنگ، جان. آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط). ترجمه: دکتر علیرضا عینی فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم، ۱۳۹۴ خ. ص بیست و دو.
- 4- الهی زاده، محمد حسین؛ سیروسی، راضیه، 1393. الگو سازی مسکن بر پایه سبک زندگی اسلامی، راضیه ، فصلنامه سبک زندگی دینی ،پیش شماره 1 ، از 35 تا 25.
- 5- مکی نژاد، مهدی، 1393. مرکزگرایی، تقارن و تکرار در هنرهای سنتی ایران، فصلنامه کیمیای هنر، شماره 10، از 99-108
- 6- قبادیان ، وحید، 1393. بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران .
- 7- تبریزی، مری ، بررسی تاثیرات معماری سنتی بر معماری معاصر در شهر یزد، دانشگاه ایوان کی .
- 8- پیرنیا ، محمدکری ، 1384. سبک شناسی معماری ایران، انتشارات سروش دانش، تهران .